



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۳۰

۱۰ آبان ۱۳۸۱

۱ نوامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

تکرار "خرداد و تیر سال ۱۳۶۰" هنگام "سقوط هواپیما؟"

فاتح بهرامی

جانین حکومت الله از وحشت مرگ رژیمشان به اعدام مردم ادامه میدهند. این وحشت و اضطراب آنها را وادار کرده در کنار اعدامهای هر روزه مستقیماً مردم را به سرکوب خونین تهدید کنند. یک نمونه این تهدیدات بخشی از نوشته محمد مهاجری از چاقوگشان کیهان، در "یادداشت روز" یکشنبه گذشته است: "هفته ها و ماههای آینده، احتمالاً از روزهای مهم تاریخ انقلاب خواهد بود. این دوره اگر چه میتواند مانند عبور از یک سربلانی سخت و نفس گیر و پر محنت باشد، خالی از برکت هم نیست. از طرفی با قدری تسامح، میتوان آن را شبیه روزهای پرحرارت خرداد و تیر ۱۳۶۰ دانست." آن روزهای مورد اشاره محمد مهاجری "برکت" بود چون حکومت اسلامی را بر روی اجساد خونین هزاران انسان بنیان گذاشت و سرپا نگهداشت. آن روزها یکی از سیاه ترین تاریخ توحش رژیم اسلامی است که طی آن نسلی از انقلابیون کمونیست، مجاهدین، و مردم آزادخواه قتل عام شدند.

تاکنون برخی سیاستها و نقشه های جناح راست حکومت بنحوی از طریق کیهان به منظور ارباب جامعه برملا شده اند. هدف اصلی از گفتن این موضوع که هفته ها و ماههای آینده شبیه روزهای خرداد و تیر ۱۳۶۰ خواهد بود، تلاشی است برای ارباب مردم. اما اگر این حاکی از یک نقشه واقعی حکومت باشد، اینبار دیگر "برکت" ندارد. چون دوره امروز کاملاً برعکس آن روزهاست و اوباش دیگر کیهان، حسین شریعتمداری، با تشبیه رژیم به یک هواپیمای در حال سقوط تصویر واقعی تری از وضعیت امروز جمهوری اسلامی بدست داده بود. او به دوم خردادیهائی که بحث خروج از حاکمیت را طرح کرده بودند، گفت که هنگام سقوط هواپیما خلبان و خدمه ها باید آخرین کسانی باشند که از آن بیرون میروند. بنابراین رژیمی که امروز حتی هنگام کشتار مردم نمیتواند وحشتش را از سقوطی که آینده اش را رقم میزند پنهان کند، قدرت سرکوبی که مردم را به خانه بفرستد ندارد. سال ۱۳۶۰ دوره تهاجم رژیم به انقلاب مردم برای تثبیت حکومت بود. امروز دوره تهاجم مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی است.

این تهدیدات علیه خاتمی و جریان دوم

صفحه ۲



اجلاس لوکوم نیز مختل شد!

مصاحبه با نسان نودینیان، دبیر کمیته حزب
در آلمان درباره آکسیون حزب و اجلاس لوکوم

هفتگی: هفته گذشته کنفرانس مقامات دولت های آلمان و جمهوری اسلامی با تلاش فعالین حزب کمونیست کارگری در آلمان به شکست دیگری برای جمهوری اسلامی تبدیل شد. لطفاً درباره هدف این کنفرانس و عکس العمل فعالین حزب در مقابل آن توضیحاتی بدهید.

نسان نودینیان: این کنفرانس بمنظور تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی دو دولت آلمان و جمهوری اسلامی سازماندهی شده بود و از حمایت این دو دولت برخوردار بود. نمایندگان اتاق بازرگانی و مشاورین وزارتهای امور خارجه هم در این اجلاس شرکت داشتند. دو دولت آلمان و جمهوری اسلامی بعد از شکست کنفرانس برلین اینبار سعی کردند اجلاس را در محلی بسیار دور افتاده در روستائی بنام لوکوم در پنجاه کیلومتری شهر هاننور طوری برگزار کنند تا بلکه از حضور اعتراضی حزب کمونیست کارگری جلوگیری کنند. همچنین برای اینکه از طریق روزنامههای آلمانی اخبار این اجلاس وسیعاً پخش نشود از مطلع کردن رسانهها و میدیای آلمانی هم صرفنظر کرده بودند و به اجلاسی منزوی و دور از چشم رسانهها هم تن داده بودند. بعداً در این رابطه بوریس میئر رئیس اجلاس به یکی از خبرنگاران گفت "پر هم زدن این اجلاس نیروهای آماده پذیرش اصلاحات در اسلام را ضعیف میکند. ما به میهمانان خودمان قول یک فضای مناسب بدون مزاحمت را داده بودیم." این اجلاس روز چهارشنبه هفته پیش شروع شده بود و ما به محض اطلاع از آن، بفکر تدارک حضور و عکس العمل حزب

و سازماندهی آکسیون اعتراضی و به شکست کشاندن اجلاس دو دولت آلمان و جمهوری اسلامی افتادیم. در ظرف چند ساعت از شهرهای مختلف آلمان به طرف لوکوم راه افتادیم. ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه در محل اجلاس حضور داشتیم. اطلاعیه مطبوعاتی حزب در مورد اجلاس به آلمانی تهیه شده بود، پلاکارد و بلندگو و امکانات تبلیغی که افشاگر جنایات جمهوری اسلامی است و تصاویر صحنهای تکان دهنده اعدامهای اخیر در ایران و سنگسار و شلاقزنی را همراه داشتیم. تعدادی از کادری حزب توانستند به داخل سالن اجلاس بروند تا در فرصت مناسب چشم در چشم قاتلین مردم به ارائه سخنرانی و افشای جنایات رژیم اسلامی بپردازند. در بیرون سالن تظاهرات ما شروع شده بود. در چند متری سالن مسئولین امنیتی و کارکنان آکادمی وقتی با حضور ما مواجه شدند با ایجاد مانع از ورود ما به داخل سالن جلوگیری کردند. رئیس آکادمی از ما خواست از محل دور شویم، به او اعلام کردیم اول باید جانینان و قاتلین را بیرون بیندازید. من و مهنوش موسوی عضو مشاور کمیته مرکزی چند بار از طریق بلندگو و خطاب به رئیس آکادمی اعلام کردیم هر نوع اجلاسی با قاتلین و جانینان جمهوری اسلامی محکوم است و این اجلاس باید مثل کنفرانس برلین به افشاح سیاسی برای جمهوری اسلامی و دولت آلمان تبدیل شود. فوری رسانههای محل را مطلع کردیم و با حضور آنها آکسیون حزب را ادامه دادیم. حضور و عکس العمل حزب

←

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اعدام و سنگسار در ایران ادامه دارد!

مبارزه علیه رژیم وحشی اسلامی را گسترش دهید

بود، اما این‌نوره دوره عقب نشینی و فروپاشی نظام اسلامی و به میدان آمدن توده ای مردم برای جمع کردن بساط این جانپان در ایران است. سیاست ورشکسته اعدامهای خیابانی و اکنشی مستاصلا به همین حقیقت است.

اما این رژیم تا روز آخر حیاتش دست به جنایت خواهد زد. باید این رژیم جنایتکار را افسار زد. نباید گذاشت قربانیان بیشتری بگیرند. تمام سران این رژیم باید در هر کجای دنیا بعنوان عاملین جنایت علیه مردم ایران شناخته شوند و با همین عنوان با آنها برخورد شود. حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه در داخل و خارج کشور را به گسترش اعتراض علیه رژیم اسلامی و افشای مستمر سیاست شنیع اعدام و سنگسار فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ آبان ۱۳۸۱ - ۲۹ اکتبر ۲۰۰۲

کردستان حزب در شهر بوکان فرد دیگری به نام اسماعیل کریم زاده اعدام شده و یک نفر دیگر به نام علی بلباردی، که پنج سال زندانی بوده، حکم اعدام گرفته است.

به اینها باید اظهارات روزنامه کیهان را در یادداشت روز دوشنبه اضافه کرد. مهاجری سردبیر کیهان در متن دعوی جناحها نوشت که «هفته ها و ماههای آتی برای نظام شباهت زیادی به ۳۰ خرداد ۶۰ دارد». چاقوکشان کیهانی این اظهارات را نه رو به برادرانشان در جناح مقابل که خطاب به مردم معترض و متنفر از بساط حکومت اسلدم در ایران مینویسند. اما خودش هم خوب میدانند که دوره ای که همه با هم و زیر پرچم خمینی قتل عام کمونیستها و مخالفین را سازمان دادند گذشته است. آنوره دوره شکست و عقب نشینی انقلاب و تعرض رژیم اسلامی

سحرگاه روز یکشنبه پنجم آبان هاشم انبرینا در پارک جمشید تهران و فرهاد رحمانی پور در سرپل جوادیه تهران در ملاء عام به دار آویخته شدند. در هفته گذشته کمیته بین المللی علیه سنگسار خبر از سنگسار نصرت ابوبی در شهر یزد داد. خانم نصرت ابوبی موفق شده بود هنگام سنگسار خود را از چاه اسلامی بیرون بکشد، اما رژیم اسلامی او را مجددا روانه زندان کرد. همینطور کمیته کردستان حزب اعلام کرد که دو نفر از اهالی سردشت به نامهای سلام عبدالله زاده (کاروانچی) و توقیق ماراغانی توسط جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۳ اکتبر اعدام شدهاند. جنازه این دو نفر روز پنجشنبه بعد از تاریکی هوا به سردشت بازگردانده شده و مسئولان جمهوری اسلامی خانواده آنها را مجبور کردهاند که نیمه شب جنازه ها را دفن کنند تا از بروز اعتراض مردم جلوگیری شود. طبق خبر دیگری از کمیته

کندگان مرتب تکرار میشد. در سر تیتراژ این روزنامه همچنین آمده است. «تظاهرات علیه اجلاس ایران به تقابل کشیده شد!» و «هارکه» خبر را چنین منعکس کرده است: «سالن کنفرانس همانگونه که قول داده بودند محافظت میشد، ولی اتفاقاتی که جلو در می افتاد آرامش میهمانان را با وجود تلاش حفاظتی بر هم میزد. گروهی از فعالین و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران تشکیلات خارج کشور، از محل این اجلاس اطلاع یافته و با مخالفین و معترضین به حکومت ایران از همه جای آلمان بظرف لوکوم آمدند. در راهروی سالن کنفرانس علیه حکومت ایران شعار داده و پلاکاردهای مختلفی در دست داشتند ... آنها میگفتند قاتلان باید اخراج شوند. در این تظاهرات بویژه علیه اعدام، سنگسار و از نقض حقوق انسانی زنان گفته میشد».

هفتگی: بنظر میرسد پس از شکست کنفرانس برلین و امروز درست در شرایطی که موجی از اعدام در ایران براه افتاده و برخی رسانه های کشورهای اروپائی گوشه ای از اخبار آنرا منعکس میکنند، دولت آلمان قصد ندارد دست از همکاری با جنایتکاران اسلامی بردارد. واحد حزب در آلمان چه اقداماتی را در مقابل این وضعیت در دستور کار دارد؟

نسان نودینیان: دولت آلمان یکی از متحبین استراتژیک رژیم اسلامی است. روابط اقتصادی و سیاسی وسیعی با جمهوری اسلامی دارد. تلاش ما این است که توجه افکار عمومی در آلمان را از طرق مختلف به محکومیت این همکاریها با جمهوری اسلامی جلب کنیم. همانطور که تاکنون و در فاصله کنفرانس برلین و اجلاس لوکوم آکسیونهای موفقی را در جهت افشای جمهوری اسلامی و جلب توجه افکار عمومی آلمان سازماندهی کرده ایم، در آینده نیز باید فعالیت و کار گسترده تری را انجام بدهیم. باید تلاشهای آتی و بی وقته ما به این نتیجه برسد که افکار عمومی و جریانات و مردم آزادیخواه آلمان به عاملی موثر در مقابل دولت آلمان و برای به شکست کشاندن سیاستهای آن در حمایت از رژیم جنایت در ایران بدل شوند. همچنین باید تلاش کنیم که خیل عظیم انسانهای آزادیخواهی که توانسته اند از چنگ رژیم اوباشان اسلامی جان سالم بدر ببرند و اکنون در آلمان هستند، به یک نیروی اعتراضی قوی در آلمان بدل شوند و علیه حکومت اسلامی به میدان بیایند. ما از تجارب شکست سیاسی و مفتضحانه جمهوری اسلامی در کنفرانس برلین و اجلاس لوکوم جلوتر باید برویم. حزب ما اعلام کرده است که نمیکذاریم خارج کشور به جولانگاه اوباش و ارادل مزدور و مرتجعین جمهوری اسلامی تبدیل شود. زمین را زیر پایشان داغ خواهیم کرد.

محمد آسنگران عضو مشاور کمیته مرکزی حزب بعد از سخنرانی او و اشتاین باخ شرق شناس و مشاور امور خارجه وزارت خارجه دولت آلمان، امکان سخنرانی و صحبت کردن پیدا میکند و در یک سخنرانی پرشور پرده از جنایات جمهوری اسلامی بر میبادد و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران صحبتهایش را تمام میکند. روز جمعه، در واقع روز آخر اجلاس، نیز ما از ساعت ۸ صبح تا پایان اجلاس دو دولت در محل بودیم و با شعارهای کوبنده علیه دو دولت آکسیون اعتراضی را در چند متری محل سالن برپا کردیم. تعدادی دیگر از مردم آزادیخواه از شهرهای مختلف به آکسیون ما ملحق شده بودند. شعارهای کوبنده و افشاگرانه ما امکان دقایقی آرام برای قاتلین و مزدوران جمهوری اسلامی در این اجلاس نگذاشته بود و با حضور ما یک شکست و افتضاح سیاسی دیگر به کارنامه رسوایی جمهوری اسلامی افزوده شد.

هفتگی: این آکسیون و نتایج آن چه انعکاسی در رسانه ها داشت؟

نسان نودینیان: آکسیون ما در تعدادی از رسانهها منعکس شد. در روزنامه پر تیراژ «تاگس سائیتونگ» چنین منعکس شد: «معترضین به برگزاری اجلاس مشترک ایران و آلمان اعلام کردند که سیاست دیالوگ با قاتلین مردم سیاسی ننگین است. دیالوگ با کسانی که موج اعدامهای اخیر مردم را در ایران ایجاد کردهاند، شرم آور است.» و در روزنامه «هلنوریش سائیتونگ» در مصاحبه با مهنوش موسوی آمده است: «مهنوش موسوی درباره علت این تظاهرات چنین گفت: درست در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر، دولت آلمان بخود اجازه میدهد با یک چنین رژیمی دم از دیالوگ بزند. رژیمی که ترور و وحشت علیه مردم ایران را برقرار کرده است. درست در شرایطی که موجی از خشونت، اعدام و سنگسار ایران را فرا گرفته است، دولت آلمان مقامات چنین حکومتی را در لوکوم برای دیالوگ دعوت کرده است.» و در روزنامه دیگری به اسم «هارکه» خبر اعتراض و آکسیون حزب کمونیست کارگری ایران با چاپ دو عکس بزرگ از تظاهرکنندگان و معترضین جلو در ورودی سالن اجلاس و عکسی از ملاقات رئیس آکادمی پروتستان لوکوم با من و مهنوش موسوی و طاهر حسن خبر را چنین منعکس کرده است: «قاتلان باید اخراج شوند». این شعاری بود که من با رئیس آکادمی هنگام برگزاری جلسه با حضور نماینده مطبوعات و هنگامی که میخواستیم وارد سالن اجلاس بشویم اعلام کردم و توسط تظاهر

اعتراض شدید رهبر اتحادیه پست کانادا به جمهوری اسلامی

ارباب کسانی که مخالف اقدامات و سیاستهای دولت شما بودهاند، در سالهای اخیر بکارگیری ابزار اعدام در ملاعام، سنگسار و شلاق و شکنجه خیابانی روز بروز گسترش یافته است.

رهبر اتحادیه پست، در پایان نامه، مینویسد: اتحادیه پست کانادا بار دیگر اعدامها، سنگسار و شکنجه اخیر توسط جمهوری اسلامی برای سرکوب آزادیهای فردی و حقوق سیاسی را شدیداً محکوم می کند. ما مصرانه از شما و دولتتان میخواهیم که سریعاً به این اقدامات وحشیانه خاتمه بدهید».

میبینند، اعلام میکنم. در دو هفته اول اکتبر ۱۰ نفر با سنگسار و حلق آویز شدن به مرگ محکوم شدند و گزارشها از تعدادی دیگر که در انتظار اعدام بسر می برند، خبر می دهند. این شامل سالار کرداری ۱۹ ساله، متهم به فعالیتهای ضد رژیم، قادر محمل متهم به دست داشتن در شورش زندان مهاباد و سعید ماسوری متهم به مخالفت با جمهوری اسلامی می باشد. اتحادیه پست کانادا چندین بار دیگر نیز به اعدامها توسط حکومت شما، که اکنون از ۱۰۰ هزار نفر تجاوز می کند، اعتراض کرده است. برای

بنیال تلاشهای فعالین حزب در کانادا، خانم دبورا بورگ، رهبر سراسری اتحادیه کارگران پست کانادا، طی نامه ای خطاب به محمد خاتمی به تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۰۲، شدیداً علیه اعدامهای اخیر در ایران اعتراض کرد. دبورا بورگ در این نامه که یک نسخه اش به واحد اتاواي حزب تحویل داده شده است مینویسد: «به نمایندگی از ۵۰ هزار عضو اتحادیه پست کانادا، با نوشتن این نامه اظهار نگرانی خود را از قتلهای سیاسی رشد یابنده اخیر که به صورت دار زدن و سنگسار در جمهوری اسلامی بوقوع

تکرار "خرداد" و تیر سال "۱۳۶۰" ...

از صفحه ۱

این رژیم عاجل ترین کار جنبش سرنگونی است. کارگران باید تشکل های سراسری خود را بسازند تا بتوانند متحد و یکپارچه در عرصه سیاست ایران قد علم کنند و نقش تاریخی خود را ایفا کنند. نیروی عظیم زنان و جوانان که امروز بخش مهمی از جنبش سرنگونی را تشکیل میدهد باید سازمان پیدا کند تا قدرت واقعی و بالقوه اش را بتواند به کار بگیرد. باید حول حزب کمونیست کارگری ایران جمع شد تا جنبش سرنگونی طلبی به مقصد برسد و جامعه ای شایسته انسان را بتواند بسازد. باید برای روزهای شبیه بهمن ۵۷ که رژیم شاه را بزیر کشید آماده شد تا اینبار با بزیر کشیدن حکومت جنایتکاران اسلامی زمینه برای اعمال اراده مستقیم مردم و برقراری آزادی و برابری و رفاه فراهم شود.

خرداد نیست، مستقیماً علیه جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. خامنه ای و جناح راست فقط در شرایطی مجبور خواهند شد که دوم خرداد را بطور کامل از سر راه بردارند که برای رودرروئی نهائی با مردم ناچار شده باشند. تا آزمون هر دو جناح رژیم، مستقل از دعوای ایشان، به همیگر احتیاج دارند، اینرا هر جناح روزانه به دیگری گوشزد میکند و وجود جنبش مردم برای سرنگونی کل حکومت را نشانی بر صحت ادعایش میگیرد. اما تردید نباید داشت که رژیم اسلامی حتی برای یکروز بیشتر مانند به هر جنایتی که برایش ممکن باشد دست میزند. مساله اینست که باید به توحش آن افسار زد و قدرت سرکوش را به حداقل رساند و اجازه نداد که قربانیان بیشتری از مردم بگیرد. بنابراین کسب آمادگی برای مقابله نهائی با